

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ

آوا می درون

مؤلف: محبوبه خسروی

با همکاری: ساجده کوهی

انتشارات ارسطو
(چاپ و نشر ایران)
۱۳۹۶

سرشناسه : خسروی، محبوبه، ۱۳۵۴ -
عنوان و نام پدید آور : آوای درون، خسروی، محبوبه، مولف، ۱۳۵۴
مشخصات نشر : مشهد: ارسطو، چاپ اول ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری : ۸۰ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۱۲۸-۰
وضعیت فهرست نویسی : فپای مختصر
یادداشت : فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل
دسترسی است
یادداشت : کتابنامه.
شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۲۹۲۴۵

نام کتاب : آوای درون
مولف : محبوبه خسروی
(با همکاری ساجده کوهی)
ناشر : ارسطو (با همکاری سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد : پروانه مهاجر
تیراژ : ۱۰۰۰
نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۶
چاپ : مهتاب
قیمت : ۸۰۰۰ تومان
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۱۲۸-۰
تلفن های مرکز پخش : ۳۵۰۹۶۱۴۵ - ۳۷۳۳۲۲۶۷ - ۰۵۱
www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



چاپ و نشر ایران



آوازی خویشن

کوهر بهوت =



تقدیر و تشکر

خدایا این افتخار مرا بس که بنده توام و این عزت مرا بس که تو خدای منی.
خدایا تو همانی که من می خواهم، مرا آن کن که تویی خواهی. (امام علی «ع»)

همواره از عزیزانی که در نگارش این اثر بنده را همراهی کرده
اند بی نهایت سپاس گزارم و خود را مدیون لطف و همفکری این
دوستان می دانم.

پروردگار متعال را شاکرم که توفیق عنایت فرمود تا بتوانم
پنجمین اثر خویش را به نگارش در آورم و به سهم خود خدمتی
هر چند کوچک به هموعان و هم وطنان عزیزم ارائه نمایم. از این
توفیق عظیم به درگاه ایزد منان سر تعظیم فرودی آورم و سجده‌ی
شکری گزارم.

«اجرکم عندالله»





تقدیم به

قمرنی ہاشم آقا ابوالفضل العباس (س) علمدار سید الشہدا (ع)

...چہ زیبادرد امان اسوہی تقوا، مولا علی (ع)، عرفان و
خود شناسی را آموخت و بہ مرحلہ ی حق یقین و وصال
معبود رسید.

شاہد
و آری
ہاشم





سال‌ها دل طلب جام جم از ما می‌کرد
و آنچه خود داشت زیگانه تمنا می‌کرد
گوهری کز صدف کون و مکان بیرون است
طلب از گمشدگان لب دریا می‌کرد

دل‌بندان عزیزم ساجده و امیرحسین!

امید که با دست یافتن به گوهر وجودی خویش و تمسک به هویت انسانی اصیل خود، منزل گاه‌های زندگی را با موفقیت و آگاهی پیمایید و هدف اصلی آفرینش و زندگی خویش را بشناسید و با پشتکار و اشتیاق به جامه‌ی برازنده‌ی انسانیت آراسته گردید و پیام آوران عشق و شور و اصالت فرهنگی و معنوی جامعه‌ی ایرانی - اسلامی خود شوید.





فهرست مطالب



صفحه	عنوان
۱۱	پیشگفتار
۱۳	مقدمه
۱۵	مفهوم هویت
۱۹	هویت انسانی و الهی انسان
۱۹	هویت بشری و حیات طبیعی
۲۰	هویت انسانی و حیات معقول
۲۲	هویت الهی و حیات عرفانی
۲۳	خودسازی اخلاقی و عرفانی
۲۴	هویت چیست؟
۲۵	تعاریف «خود»
۳۰	وجود خودپنداشت
۳۴	سیر تحولی «خود»
۳۶	خوبیستن پذیری
۳۷	بحران هویت چیست؟
۳۹	هویت ملی
۴۲	نیاز به هویت

هویت انسانی	۴۲
هویت اجتماعی	۴۳
هویت ایرانی	۴۶
نظریه‌های هویت	۴۹
نظریه‌های جدید اجتماعی هویت	۵۳
زنان و هویت	۵۹
فرآیند شکل‌گیری هویت اجتماعی	۶۰
آثار و ثمرات خودشناسی (هویت)	۶۰
هویت یعنی	۶۱
فضیلت خودشناسی	۶۳
هویت و بحران هویت	۶۴
تعلیم و تربیت و تکوین هویت	۶۴
هویت اجتماعی	۶۷
هویت و جامعه‌شناسان	۶۸
هویت انسان از دیدگاه روان‌شناسی اسلامی	۷۴
نظریه متفکران و اندیشمندان در حیطه هویت	۷۵
اشعار شاعران در باب هویت ملی	۷۷
کتابنامه	۷۹

پیشگفتار

هویت در اصل یعنی توجه به خود، در رابطه با توجه به دیگران می‌باشد. خود بودن یعنی فقط خودت باشی و دیگری نباشی. با دیگران تفاوت‌هایی داشته باشی ولی آمیخته و همراه آنان باشی. انسان باید به خودش دست یابد، خودش پیروز خودش باشد. اصالت داشته باشد و در این اصالت، توانایی‌های ذاتی خودش را جهت بقای جاودانیش بکار بندد ملاک سنجش خودش را ارزش‌هایش بداند رابطه‌اش با آفریننده‌اش، با آفریننده‌ها، عاطفی و در عین حال منطقی باشد. شناختی که انسان از خود به دست می‌آورد هسته اصلی هویت او را تشکیل می‌دهد. انسان باید به خود توجه و آگاهی داشته باشد به وجود خودش معنا دهد و پیوندش با عالم بالا پیوندی عمیق و طولانی باشد.

هویت واقعی انسان مربوط به فعل و انفعال بین نیروی فطرت می‌باشد؛ حال عقل فطری بر شهوت غلبه نماید و به خود کنترلی برسد به نفس مطمئنه برسد و به هویت دست پیدا می‌کند. عامل تربیت عاملی بسیار مهم در هویت است زیرا برگرفته از روابط اخلاقی، فرهنگی و رفتاری حاکم بر خانواده، آموزش و پرورش و جامعه است.

اساسی‌ترین و حیاتی‌ترین دغدغه هر کس هویت اوست. برای رسیدن به هویت و نگهداری هویت، بحران‌های هویت را باید شناخت. عقل، فطرت و دین سه عنصر اصلی تشکیل هویت است. در این زمینه هویت دینی فراتر از همه مقوله‌هاست زیرا از خلقت انسان، مسیر زندگی انسان و ختم زندگی انسان صحبت می‌کند. در هویت دینی برتری انسان‌ها را فقط تقوی بر شمرده‌اند. افراد صالح و متخلق به اخلاق نیک انسانی و اسلامی دارای هویتی خلل ناپذیرند.

هویت ایرانی با شادی در آمیخته است ایرانی فهیم و انسان دوست، صلح طلب و آزادی خواه و عدالت خواه است. اهل تحمل است نه تعصب به دانایی و دانش عشق



می‌ورزد و اهل جنگ و نفرت نیست و صلح طلب است. ایرانی در هویتش همدردی می‌کند اهل همدلی است و به روابط انسانی و محبت آمیز اهمیت می‌دهد. ایرانی در هویتش به حقوق دیگران تجاوز نمی‌کند ولی از حقوق خود سرسختانه دفاع می‌کند. ایرانی باید هویت‌های جعلی را از خود دور نماید و با همبستگی آهنین و پافشاری بر اصل خویش به هویت اصلی خودش باز گردد.

سیده راضیه موسوی
کارشناس ارشد ادبیات و زبان فارسی
دوم اردیبهشت

مقدمه

«هویت» کشف «خود» است و با خود در ارتباط است. این، هویت است که ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها را تعیین می‌کند و مسیر را به انسان نشان می‌دهد. همه چیز انسان در هویت و ماهیت او خلاصه می‌شود و شکل می‌گیرد.

انسان پدیده‌ای پیچیده است که هیچ کس جز خودش در دنیای او راه ندارد. هویت اندیشه انسان را می‌سازد و اندیشه‌ها از هویت او نشأت می‌گیرند. هویت در واقع به معنای «چیستی» و «کیستی» است و از نیاز طبیعی انسان، در پیوند با چیزی یا جایی پدید می‌آید.

هویت به معنای «چه کسی بودن» است. مجموعه نگرش‌ها، ویژگی‌ها و روحیاتی که یک فرد را از دیگران متمایز می‌کند، هویت نامیده می‌شود. هویت انسان در عین حال که جنبه‌ای فردی دارد، مقوله‌ای اجتماعی است و به معنی ویژگی‌ها و صفاتی است که موجب شناسایی شخص در اجتماع و جامعه انسانی می‌شود.

هویت انواعی دارد: هویت فردی، هویت اجتماعی، هویت فرهنگی، هویت تمدنی (یا مدنی)، هویت ملی، هویت خانوادگی و هویت دینی.

عدم شناخت آدمی از شخصیت خویش و موانع شکل‌گیری هویت، «بحران هویت» نام دارد و به معنی عدم توانایی فرد در قبول نقشی که جامعه از او انتظار دارد به کار رفته است. شخصی که فاقد هویت متشکل و سازمان یافته است. در ادامه زندگی، با مشکلات گوناگونی مواجه خواهد شد و سبب می‌شود که فرد، منزوی و مضطرب شود.

و اینک تعریفی کوتاه از انواع هویت در این جا ذکر می‌شود.

هویت فردی: کوشش‌های فرد برای تحقق یکتایی خویشتن و همه‌ی آن چه

موجب شناسایی شخص.

☞ **هویت خانوادگی:** تعیین نسبت میان فرد و خانواده و شناخت پیوندهای میان فرد و خانواده‌اش و جایگاه فرد در خانواده.

☞ **هویت ملی:** شناخت فرد از جایگاه و مسوولیت مدنی در کشور و شناخت نوع خدمت شایسته‌تر به وطن و مردم خود.

☞ **هویت دینی:** احساس تعهد و مسوولیت در قبال ارزش‌ها و باورهای دینی و مکتب فکری و مذهبی.

☞ **هویت اجتماعی:** شناخت نقش‌ها و وظایف اجتماعی و آگاهی از انتظارات جامعه از خود.

☞ **هویت فرهنگی:** مهمترین نوع هویت است هم از لحاظ ساخت و محتوا و هم از لحاظ شرایط زمانی مورد توجه عمیق قرار می‌گیرد در تحقق سایر هویت‌ها نقش دارد. مجموعه همه هویت‌ها، هویت فرهنگی تشکیل می‌دهد.

☞ **هویت تمدنی:** معرفت و آگاهی عمیق انسان به تمدنی که به آن منسوب است و در ساخت جامعه امروز و فردا موثر است.

تعریف فرهنگ: مجموعه عادت‌ها، بورها، هنرها و سایر دستاوردهای فکری بشر که با تلاش گروهی از مردم در دوره خاصی به وجود آمده است.

سرانجام، هویت برقرار کردن توازن میان خود و جامعه در عرصه‌های گوناگون است.

محبوبه خسروی
مدرس دانشگاه پیام نور

مفهوم هویت

هویت، عبارت است از افتراق و تمیزی که فرد بین خود و دیگران می‌گذارد. هویت شخصی یک سازه و ساختار بدنی، روانی و اجتماعی است. یعنی شامل برداشت بدنی و طرز فکرها و عقایدی می‌شود که معرف فرد است و نحوه ارتباط فرد با دیگران را نیز می‌رساند. براساس نظریه اریکسون اگر هویت شخصی نوجوان در طی زمان و براساس تجربیات حاصل از برخورد اجتماعی شکل بگیرد و نوجوان بتواند خود را بشناسد و از دیگران جدا سازد، تعادل روانی وی تضمین می‌شود. ولی اگر سرخوردگی و عدم اعتماد جایگزین اعتماد گردد و نوجوان به جای تماس با مردم، گوشه گیر و منزوی شود، هماهنگی و تعادل روانی وی به هم می‌خورد و به بحران هویت دچار می‌شود. تحول بلوغ، تصویر ذهنی از بدن و هویت شخصی نوجوان را دگرگون می‌کند. نوجوان با در نظر گرفتن تجربیات گذشته و برخورد با تحولات بلوغ می‌خواهد هویت خویش را از نو باسازی کند. مخالفت و ستیز نوجوانان با والدین خود و عصیان آنان در برابر ارزش‌ها و قدرت‌ها و دخالت‌های دیگران برای تثبیت هویت و جدا نمودن هویت خویش از سایرین است (احمدی، ۱۳۸۳).

معمولاً والدین با وضعیت بحرانی نوجوانان برخورد خوبی ندارند و اغلب این وضعیت را درک نمی‌کنند. در خانواده‌ها نوجوانان مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند و در مواقعی که نیاز شدید به دوستی و تفاهم متقابل دارند، مورد هجوم و انتقاد قرار می‌گیرند. در هنگام بحران هویت، نوجوان دچار تضادها و کشمکش‌های ضد و نقیض است. به پدر و مادر خود علاقه دارد و از طرفی به خاطر امر و نهی‌های مکرر از آنان متنفر است. از نظر اقتصادی به آنان وابسته است ولی می‌خواهد مستقل عمل کند و با آن‌ها مخالفت می‌کند. این تضادهای درونی به رفتارهای ضد و نقیض می‌انجامد و باعث رفتارهای خصمانه والدین با نوجوان می‌شود. اگر والدین این بحران درونی و تضادها را درک نکنند و نتوانند تفاهم مشترکی داشته باشند این تضادها به عصیان و سرکشی نوجوان تبدیل می‌شود (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۰).

آوای درون

برای کمک به نوجوانی که هویت خویش را بازنیافته و خود را نشناخته و در نقش خود ابهام دارد باید ابتدا رابطه‌ای باز و صمیمانه ایجاد کرد و با تکیه بر نقاط مثبت، او را با توجه به نقاط مثبت خویش رهنمون شد. مشاوره فردی با نوجوانی که دچار بحران هویت است باید متوجه تأمین شرایطی باشد که خود پذیری را در او تسهیل کند و ادراکات منفی او را از خویش تغییر دهد. در رابطه مشاوره‌ای با نوجوانی که دچار بحران هویت است باید تفاهم توأم با همدلی و احترام مثبت برقرار شود. در این صورت نوجوان از خویشتن خود بیشتر آگاه می‌شود باید به نوجوان کمک کند تا برای زندگی خود معنایی بیابد و مسئولیت انتخاب‌ها و تصمیم‌های زندگی خویش را بر عهده بگیرد. مشاوره گروهی نیز به شناخت هویت و توجه به علائق و کسب مهارت‌ها مخصوصاً ارتباطات اجتماعی در نوجوانان کمک می‌کند. نوجوانان در بحران هویت دچار عارضه‌های زیر می‌گردند: الف) اختلال در احساس زمان و وقت. در این صورت نوجوان احساس می‌کند که گذشت زمان مهم نیست و برای هر کاری بیش از حد کافی وقت دارد. در برابر این احساس، دسته‌ای از نوجوانان احساس می‌کنند در همه امور به سرعت می‌گذرد. وقت و زمان کافی برای انجام کار ندارند. ب) احساس شدید نسبت به خویش: فکر نوجوان در این حالت همیشه مشغول خصوصیات بدنی یا نقشی است که بر عهده دارد و نمی‌تواند افکارش را از دایره تنگ خویش آزاد سازد و معمولاً خود را سرزنش می‌کند. ج) هویت منفی. در این صورت نوجوان نقش و وظایفی را که به وسیله خانواده یا اجتماع برای او مناسب تشخیص داده می‌شود، تمسخر یا با پر خاشگری و حالت خصمانه رد می‌کند و ممکن است رفتارهای عجیب و غریب و نامأنوس با اجتماع داشته باشد. لذا نوجوانان در مشاوره گروهی فرا می‌گیرند:

الف) همسالان آنان نیز مشکلاتی دارند.

ب) علیرغم اشتباهاتی که دارند، اعضای گروه آنان را می‌پذیرند.

ج) قادر به درک دیگران می‌شوند.

د) یاد می‌گیرند تا به دیگران اعتماد نمایند.

ه) احساسات خود را بیان کنند و خود را بهتر بشناسند.

در مشاوره گروهی افراد گروه هویت خویش را درک می‌کنند و به ارزش خویش پی می‌برند و اهداف قابل وصولی را در نظر می‌گیرند و مهارت‌های اجتماعی را فرا می‌گیرند (کرمانی، ۱۳۷۵)

هویت مقوله‌ای است که هم در سطح فرد می‌تواند مطرح باشد و هم در سطح اجتماع. بررسی هویت قومی و هویت ملی بیشتر از اینکه در سطح فرد مطرح باشد در سطح اجتماع مطرح است. اولین نظریه‌ها برای تعیین و تعریف هویت، نظریه‌هایی هستند که بیشتر فرد مدار بودند و واحد تحلیل آن‌ها فرد بود و بعدها کسانی دیگر بحث هویت را در اجتماع مطرح کردند. روان‌شناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان و به طور کلی عالمان علوم اجتماعی می‌خواهند بر این واقعیت تأکید کنند که احساس هویت به واسطه دیالکتیک میان فرد و جامعه شکل می‌گیرد. هویت کم و بیش در نگرش‌ها و احساسات افراد نمود می‌یابد ولی بستر شکل‌گیری آن زندگی جمعی است. جرج هربرت مید را از این حیث می‌توان پرچمدار نظریه هویت اجتماعی دانست که فرآیند دستیابی فرد به احساس و برداشتی کامل از خویشتن را بررسی می‌کند. از نظر مید، هر فرد هویت یا خویشتن خود را از طریق سازماندهی نگرش‌های فردی دیگران در قالب نگرش‌های سازمان اجتماعی یا گروهی شکل می‌دهد (گل محمدی، ۱۳۸۰).

هویت در معنای ساده‌اش یعنی ویژگی‌هایی که متمایز کننده‌ی یک فرد از دیگری است. این ویژگی‌ها شامل دین، زبان، نژاد، تاریخ، جغرافیا، معماری و غیره است. هویت بیان کننده‌ی رابطه‌ی فرد به صورت صحیح با جامعه به عنوان یک کل است. در این معنا در یک تقسیم‌بندی کلی هویت را می‌توان به هویت فردی و جمعی تقسیم نمود. الف) هویت فردی: همان ویژگی‌های منحصر به فرد است که وی را متمایز از دیگران می‌کند. هویت فردی بیشتر در چارچوب روابط بین اشخاص صورت می‌پذیرد. ب) هویت جمعی: در واقع ویژگی‌های جمعی و گروهی است که یک گروه یا جمع را متمایز از جمع یا گروه دیگر می‌سازد. هویت جمعی در چارچوب روابط گروهی مطرح می‌شود با این تعریف هویت ملی نوعی هویت جمعی است (لطف آبادی، ۱۳۸۰).

این کلمه در یک معنا به ویژگی یکتایی، فردیت و تفاوت‌های اساسی که یک شخص را از همه افراد دیگر متمایز می‌کند اشاره دارد (یار احمدی، ۱۳۸۱).

هویت اجتماعی در وسیع‌ترین معنا، هر نوع رفتار یا نگرشی است که از طریق تجربه حال یا گذشته، از رفتار سایر مردم تأثیر پذیرفته باشد؛ یا اشاره به رفتاری است که به سوی مردم جهت‌گیری شده باشد. در برخی موارد به همکاری یا کنش گروهی اشاره دارد، که به سوی رفاه کل جامعه و یا اعضای محروم آن جهت‌گیری شده است (مازیار، ۱۳۸۴).

هویت اجتماعی و گروهی مجموعه‌ای از خصوصیات و مشخصات اجتماعی، فرهنگی، روانی، فلسفی، زیستی و تاریخی همسانی است که بر یگانگی یا همانندی اعضای آن دلالت می‌کند و آن را در یک ظرف زمانی و مکانی معین، به طور مشخص، قابل قبول و آگاهانه، از سایر گروه‌ها متمایز می‌سازد (یار احمدی، ۱۳۸۱).

با پیدایش مدرنیته، برداشتی از هویت اجتماعی انسان‌ها، همچون سوژه یک پارچه، متحد و متمرکز، شکل گرفت. دگرگونی‌های موجود آمده در جوامع مدرن، باعث بحران هویت در میان انسان‌ها گردید. به گونه‌ای که این بحث، هنوز در کانون توجه علوم اجتماعی، به ویژه روان‌شناسی اجتماعی قرار دارد. در پایان سده‌ی نوزدهم، بحث بازیابی هویت اجتماعی یا من اجتماعی به جای هویت فردی، کانون توجه بود. تا میان دنیای شخصی و اجتماعی افراد، ارتباط برقرار سازد و بر مبنای فرهنگ متحدالشکل، هویت اجتماعی را به وجود آوردند (احمدی، ۱۳۸۵).

هویت، احساسی است که فرد نسبت به استمرار حیات روانی خود دارد و یگانگی و وحدتی که در مقابل اوضاع و احوال متغیر خارج، همواره در حالات روانی خود احساس می‌کند. این ثبات و هویت یکی از خصایص شخصیت انسانی است. هویت زمانی هویدا می‌شود که انسان با جامعه دیگر، طرز تفکرهای مختلف و نقش‌های جدیدی که بر عهده می‌گیرد مواجه می‌شود. مادام که غیری در کار نباشد، انسان به ویژگی‌های خودش آگاه نمی‌شود و هویت شکل نمی‌گیرد (آوینی و همکاران، ۱۳۷۱).

هویت انسانی و الهی انسان

ساختار هویت و ابعاد زندگی انسان

بنابراین درباره ساختار هویت انسان می توان گفت: انسان به طور کلی دارای سه گونه هویت است.

۱. **هویت بشری** که در عرصه حیات طبیعی شکل می گیرد و مشتمل بر قوای نفسانی شهوت و غضب است.
۲. **هویت انسانی** که در عرصه حیات عقلانی و توسط نیروی عقل رشد می کند.
۳. **هویت الهی** که در عرصه حیات عرفانی و قلب پرورش می یابد.

هویت بشری و حیات طبیعی

آنکه می خورد و می خوابد، ازدواج و آمیزش می کند، شهوت و غضب دارد، کار و تلاش طبیعی انجام می دهد، هویت بشری انسان است. در قرآن کریم آمده: سران کفر به به قوم خود می گفتند: آن که ادعای پیامبری دارد، جز بشری مانند شما نیست. از آنچه شما می خورید و می نوشید، می خورد و می نوشد، «ما هذا الا بشر مثلکم یا کل مما تاکلون منه و یشرّب مما تشرّبون». (مومنون، ۳۳).

هویت بشری انسان از سنخ حیوان است؛ یعنی نوعی از انواع حیوانات محسوب می شود و تحت عنوان حیوان سخنگو تعریف می گردد، ولی هویت انسانی او از سنخ ملکوت و عوالم فرا طبیعی است و تعریف خاص خود را می طلبد. خدای متعال آن گاه که بدن و هویت بشری انسان را تکمیل کرد و از روح خویش در او دمید و آدمی صاحب بعد مجرد انسانی شد به ملائکه فرمود بر او سجده کنند، «فاذا سویته و نفخت فیه من روحی فقعوا له ساجدین». (حجر، ۲۹).

واژه بشر از بشره است و به چهره ظاهری انسان اطلاق می شود، همان که از خاک و آب آفریده شده است. اذ قال ربک للملائکه انی خالق بشرا من طین. زمانی را به یاد آر که پروردگارت به ملائکه فرمود: من می خواهم بشری بیافرینم از خاک. (ص، ۷۱).

آوازی درون

«و هو الذی خلق من الماء بشرا، و او کسی است که بشر را از آب آفرید». (فرقان، ۵۴).
و یا در آیه ای دیگر دارد که «و اذ قال ربک للملائکة انی خالق بشرا من صلصال من حما مسنون». و یاد کن آنگاه را که پروردگارت به فرشتگان فرمود: «من بر آنم بشری از گلی خشک برآمده از لایی بویناک بیافرینم. حجر» ۲۸. و در برخی آیات دارد که از خون بسته تکون یافته است..

می گفتند: چگونه کسی را به پیامبری می پذیرید که مانند شما بشر است. گویا آنان می دانستند که چهره بشری انسان نازل است و صلاحیت دریافت وحی و ارتباط با عوالم دیگر را ندارد، پیامبر باید کسی باشد که از بشر معمولی فراتر باشد، بدین خاطر انبیای الهی استدلال می کردند اگر چه ما ظاهرا مانند شما بشر هستیم، ولی با شما از این نظر که بر ما وحی می شود و هویت انسانی و الهی داریم متفاوتیم. «قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی». (کهف، ۱۱۰).

البته نقش مثبت طبیعت مادی انسان در مسیر خودسازی را نیز نباید فراموش کنیم. بدن ابزار و مرکب راهواری است که باید سالک الی الله بر آن بنشیند و با کمک آن به ریاضت نفس پردازد و روح خود را به تعالی برساند، کسی که بدن سالم و قوی ندارد، توان حرکت به سوی خدا را نیز نخواهد داشت، اگر چه اصل حرکت روحانی و معنوی است.

نقش منفی بدن و طبیعت مادی، ایجاد گرایش های دنیوی، تحریک امیال غریزی، ایجاد تمایل نسبت به لذت های مادی و به چالش کشیدن انسان در عرصه انتخاب و گزینش است که البته وجود این چالش و درگیری در انسان، از آن جهت که زمینه اختیار و انتخاب آزادانه را فراهم می کند، نیز می تواند مفید و مثبت ارزیابی شود.

هویت انسانی و حیات معقول

انسان در طبیعت پدید می آید، ولی نباید در طبیعت برای همیشه ماندگار شود، زیرا در این صورت هلاک خواهد شد، چون طبیعت هلاک شکنی است. «کل شیء هالک الا وجه». (قصص، ۸۸)